

چرا سینما با ادبیات قهر است؟

برمی‌دارد و می‌نویسد. تصویرهای متفاوتی در ذهن افراد از خانه و آسایش‌خانه رقم خواهد خورد. هر کسی بر اساس ذهنیت خود از خانه و آسایش‌خانه و یخچال تصویری در ذهن خود می‌سازد. حال اگر این فرآیند نخواهد تبدیل به فیلم و تصویر شود، کارگردان بر اساس ذهنیت خود و داشته‌های فنی و امکاناتی یک آسایش‌خانه و یخچال را به تصویر می‌کشد. در اینجا بیننده می‌گوید: این آن آسایش‌خانه نیست که در ذهن من است! این یک مثال ساده فیزیکی بود. حال باید این موضوع را تعمیم دهیم به شخصیت‌پردازی. اینقدر این موضوع قابل تعبیر و تفسیر است که وقتی قرار است کلمات تبدیل به تصویر شوند، اختلاف زیادی می‌شود و چالش ایجاد می‌شود. البته برای این موضوع قطعاً راحل‌هایی هم وجود دارد. وقتی قرار است یک اثر ادبی تبدیل به فیلمنامه شود باید یک تیم حرفه‌ای آن کار را انجام دهد، نه یک شخص یا دو شخص. در نهایت محصول اقتباسی بسیار نزدیک به روح اثر است و این مسئله بسیار خوشایندی است. من تجربه فیلم‌برداری، ساخته‌های مخرجی را می‌دیدم، همین دست‌های جذابی، تبدیل به فیلم‌ها می‌شد. در آن مقطع من بسیار کم‌تجربه بودم ولی با این حال خیلی جانب احتیاط را رعایت کردم و وسواس زیادی به خرج دادم. خروجی کار اما تقریباً هیچ ربطی به اثر من نداشت. زمانی که من فیلم‌برداری، ساخته‌های مخرجی را می‌دیدم، همین دلیل دوم برمی‌گردد به خصلت‌ها و خلق و خوی ما ایرانیان. در ایران مشاهده می‌کنیم که یک شخص هم فیلم‌سازی کارگردان است، هم تهیه‌کننده است، هم طراحی صحنه و لباس است. حتی بعضاً مشاهده شده که آهنگسازی فیلم را خود عهده‌دار شده است. بسیاری از این افراد اصلاً گرفتن ایده برای یک فیلم و یا اثر را دهن خود می‌دانند و کمترین به این امر می‌دهند. در تاریخ ادبیات ایران به‌ویژه ادبیات داستانی ایران، از یک مقطعی گرایش به وجود آمد، متنازاً از فرمالیست‌های روس تحت عنوان فرم‌گرایی یا نوشتن داستان‌های کاملاً انتزاعی که مباحثی خارجی نداشتند و خیلی ذهن‌گرا بودند و امکان تبدیل به فیلم را نداشتند. آثار همگی را اگر بخوانید گویی یک کار سینمایی را مرور می‌کنید. جنگل، ولاگون را سلینجر در واقع برای یک فیلم نوشته است. ما در ادبیات ایران با مقوله‌ای به نام تصویر بیگانه هستیم. ضمن اینکه ادبیات کلمه است و سینما تصویر است. تبدیل کلمه به تصویر همیشه بحث برانگیز بوده است. تصور کنید در یک ادبیات داستانی اشاره می‌شود که زن وارد آسایش‌خانه می‌شود، درب یخچال را باز می‌کند و شیشه شیر را

محمد غیوری



چند سالی است عضو یک گروه کتاب‌خوانی و داستان‌خوانی هستیم. یکی از کتاب‌هایی که همراه این گروه خواندم رمان «جایی برای پیرمردها نیست» بود. اثر کارمک مک‌کارتی. در جلسه نقد این کتاب صحبت از فیلمی موفق به همین عنوان به میلین آمد که اقتباسی از همین داستان است. در آن جلسه سوالی به میان آمد که چرا علی‌رغم وجود آثار موفق داستانی در ایران و به زبان فارسی اقتباس موفق و چشمگیری از این آثار در سینمای ما صورت نگرفته است؟ چهارشنبه هفته گذشته در نشست صمیمی با مصطفی مستوردان نویسنده و نمایشنامه‌نویس شهیر کشور شرکت کردم. فرصت را مناسب دیدم این سوال بیات‌شده در ذهنم را از او بپرسم. آنچه در ادامه می‌آید پاسخ ایشان به سوال نگارنده است.

در این ارتباط می‌توان به چند دلیل عمده اشاره داشت. در غرب و کشورهای اروپایی و آمریکایی سینما وقتی ابداع شد که آنها پیشینه‌عظیمی از ادبیات داشتند. در ایران اما می‌توان گفت سینما و رمان با هم وارد شدند. دلیل دوم برمی‌گردد به خصلت‌ها و خلق و خوی ما ایرانیان. در ایران مشاهده می‌کنیم که یک شخص هم فیلم‌سازی کارگردان است، هم تهیه‌کننده است، هم طراحی صحنه و لباس است. حتی بعضاً مشاهده شده که آهنگسازی فیلم را خود عهده‌دار شده است. بسیاری از این افراد اصلاً گرفتن ایده برای یک فیلم و یا اثر را دهن خود می‌دانند و کمترین به این امر می‌دهند. در تاریخ ادبیات ایران به‌ویژه ادبیات داستانی ایران، از یک مقطعی گرایش به وجود آمد، متنازاً از فرمالیست‌های روس تحت عنوان فرم‌گرایی یا نوشتن داستان‌های کاملاً انتزاعی که مباحثی خارجی نداشتند و خیلی ذهن‌گرا بودند و امکان تبدیل به فیلم را نداشتند. آثار همگی را اگر بخوانید گویی یک کار سینمایی را مرور می‌کنید. جنگل، ولاگون را سلینجر در واقع برای یک فیلم نوشته است. ما در ادبیات ایران با مقوله‌ای به نام تصویر بیگانه هستیم. ضمن اینکه ادبیات کلمه است و سینما تصویر است. تبدیل کلمه به تصویر همیشه بحث برانگیز بوده است. تصور کنید در یک ادبیات داستانی اشاره می‌شود که زن وارد آسایش‌خانه می‌شود، درب یخچال را باز می‌کند و شیشه شیر را

گفت‌وگوی پاسارگاد با دو پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان در مورد قصه‌نویسی و قصه‌گویی شناخت و ارتباط با کودکان ضروری است



علی‌اصغر سیدآبادی، نویسنده کودک و نوجوان و پژوهشگر حوزه ادبیات



مهدی آریایی، نویسنده کودک و نوجوان

است که این مطلوبان نیست، به‌خصوص که در جهان، ادبیات کودک ما به اندازه وزنی که دارد، نقش ندارد و باید این نقش با کیفیت بالاتری به‌صورت پررنگ و فعال در نظر گرفته شود. مهدی آریایی اما کتاب‌های منتشره در حوزه ادبیات کودک و نوجوان را به لححن کتابت نزدیک می‌داند و می‌گوید: بسیاری از کتبی که امروزه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان چاپ می‌شود، به‌شدت به لححن کتابت نزدیک و از لححن روایت شفاهی دور است و با اصلاً استعداد تبدیل به روایت شفاهی را ندارد. اگر قصه‌نویس‌ها بتوانند در این حوزه یک نهضتی را شروع کنند و قصه‌های قابل روایت را بیشتر کار کنند که از ادبیات مدرن امروز هم بهره گرفته باشند، خیلی خوب است. البته کارهای مفیدی در این زمینه انجام شده و وضعیت ادبیات کهن که با ادبیات شفاهی نسبت نزدیک داشتند، به سمت ساده‌نویسی و فهم بهتر گام برداشته‌اند اما قصه‌های امروزی هنوز نیاز دارند که به لححن روایت شفاهی نزدیک‌تر شوند.

به‌تصور واقع بینانه‌ای از ادبیات کودک و نوجوان پرسیم

یکی از مسائلی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان

به رسمیت بشناسیم و بعد با او وارد گفت‌وگو شویم. گاهی عدم توجه به این نکته می‌تواند ادبیات کودک و نوجوان را به حاشیه ببرد و گاهی هم برده. مهدی آریایی کارشناس زبان و ادبیات فارسی است که دستی هم در موسیقی دارد و به‌عنوان سرپرست کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان یزد مشغول به فعالیت است. از وی نیز آثار متعددی در این حوزه منتشر شده و عمده فعالیت‌های او در زمینه قصه‌گویی برای کودکان و نوجوانان است که کارگاه‌های متعددی با همین عنوان نیز برگزار کرده. او کار برای کودکان و نوجوانان در حوزه قصه‌گویی را منوط به چند تکنیک می‌داند و می‌گوید: قصه‌گویی در حوزه کودک و نوجوان به نظر من به چند مورد نیاز دارد. اول نیازمند تکنیک‌هایی برای قصه‌گویی است. قصه‌گویی باید در خصوص تکنیک‌های قصه‌گویی آموزش ببینند تا بتوانند مفاهیم نهفته در قصه‌های کهن را به کودکان منتقل کنند. دومین مورد معرفی منابعی است که برای روایت داستان‌هایی که در بردارند و کودکان بتوانند از آن‌ها ارتباط برقرار کنند. وی اضافه می‌کند: بسیاری از کتاب‌های قصه موجود در بازار اصلاً برای قصه‌خوانی

هدی رضوانی ادبیات ایران در شاخه‌های مختلفی به‌طور تخصصی وارد شده و حرفه‌های مهمی برای گفتن دارد. یکی از این شاخه‌ها حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. ۱۸ تیرماه هر سال مصادف با درگذشت مهدی آرزیندی، نویسنده کتاب «قصه‌های خوب، برای چهره‌های خوب» به‌عنوان روز ملی ادبیات کودک و نوجوان در تقویم رسمی ایران نام‌گذاری شده و نویسندگان و پژوهشگران به‌صورت تخصصی به این حوزه پرداخته‌اند تا بتوانند با غنای ادبی موجود در فرهنگ آشنا نسل کودکان و نوجوانان را با این فرهنگ آشنا کرده و آن‌ها را هدایت نمایند. در برزله‌های با عنوان شب ادبیات کودک و نوجوان که در حاشیه نمایشگاه کتاب گل‌گهر برگزار شد، دو فعال حوزه کودک و نوجوان میانی ورود به قصه‌نویسی و قصه‌گویی در ادبیات کودک و نوجوان در مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. در این گفت‌وگو که با حضور علاقه‌مندان به حوزه ادبیات کودک و نوجوان همراه بود، مخاطبان با مبانی این دو امر آشنا شدند که تعمق در این دو حوزه می‌تواند به پررنگ‌تر شدن فعالیت قصه‌گویی و قصه‌نویسی در ادبیات کودک و نوجوان کمک کند. **شناخت مخاطب؛ نیاز اصلی ادبیات کودک و نوجوان** علی‌اصغر سیدآبادی؛ مروج کتاب‌خوانی، نویسنده کودک و نوجوان و پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان است که بیش از ۶۰ اثر از او تاکنون به چاپ رسیده. وی مشاور سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۹۶ هم بوده و در حوزه ترویج کتاب‌خوانی اقدامات بسیاری انجام داده است. سیدآبادی نیاز اصلی ادبیات کودک و نوجوان را شناخت تخصصی مخاطبان این حوزه می‌داند و می‌گوید: به‌نظر من ادبیات کودک و نوجوان حوزه متنوعی دارد. هم از نظر گونه‌های ادبی که در آن تولید می‌شود و هم تنوع فکری، دیدگاهی و اعتقادی آن‌ها می‌کند که در این حوزه قلم می‌زنند. بنابراین هر طیف و گروهی با توجه به علائق، تفکر و اعتقادی که دارند و با توجه به گونه‌هایی که در آن می‌نویسند، با مسائلی متفاوتی روبه‌رو می‌شوند اما در کل می‌توان نقاط مشترکی پیدا کرد. یکی از آن نقاط مشترک؛ شناخت مخاطب و برقراری ارتباط با اوست. وی اضافه می‌کند: برای این‌که ما با مخاطب ارتباط برقرار کنیم، باید، اول سلیقه و خواسته‌هایش را

با همت شهرداری و شورای شهر و به مناسبت گرامیداشت هفته وحدت؛

شور و نشاط شهروندی در محلات سیرجان

عنوان «فرهنگی، تفریحی» در هشت محله‌ی کم‌برخوردار اجرا شد. اجرای برنامه‌های شاد و فرهنگی به‌عنوان بخشی از جشنواره‌ی محلات سیرجان توانست فضای شاد شهری را ایجاد کند.

جشنواره محلات سیرجان با عنوان «نسیم رحمت» با هدف ارتقای شور و نشاط اجتماعی برگزار شد. به‌گزارش مدیریت ارتباطات شهرداری و شورای اسلامی شهر سیرجان، با همکاری شورای فرهنگ عمومی ویژه برنامه‌های شاد و متنوعی در قالب جشن نسیم رحمت با



نقاشی ساختمان ۰۹۲۲۳۱۹۴۸۴۶	خریدار ضایعات آهن و غیره هستیم ۰۹۱۳۲۴۷۶۱۴۴ ۰۹۱۳۳۴۷۰۵۲۰	ضایعات و آهن دست دوم و غیره شما را با بهترین قیمت خریداریم ۰۹۱۳۲۷۹۷۲۹۵	ضایعات و آهن آلات ۰۹۱۳۳۴۵۶۴۰۳ ۰۹۱۳۳۴۵۶۶۸۴
-------------------------------------	---	--	--

موسسه خیریه میلاد نور سیرجان

آماده دریافت خیرات، نذورات، قربانی، عقیقه و صدقات جهت حمایت از معلولین می‌باشد

شماره ثبت: ۱۱۶

آدرس دفتر مرکزی: سیرجان، بلوار قائنی

شماره حساب بانک توسعه تعاون ۲۸۰۱-۱۱۱۲-۰۳۲۴-۱۹۱	شماره کارت مجازی ۵۰۲۹-۰۸۱۰-۱۳۴۷-۶۲۱۹ ۵۰۲۹-۰۸۱۰-۱۳۴۷-۶۲۲۷	شماره تماس ۰۹۱۳-۱۹۲-۱۰۴۹ دفتر مرکزی ۰۹۱۱ ۴۲۳
---	---	---

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام) در نظر دارد «ارائه خدمات حفاظتی و مراقبتی (حفاظت فیزیکی) در محدوده دهکده گردشگری» خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط با سابقه اجرای موضوع مناقصه و دارای حداقل رتبه دو حفاظتی و پروانه فعالیت معتبر از اداره انتظام پلیس پیشگیری ناجا واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به آدرس الکترونیکی WWW.GEG.IR مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان از بخش مناقصه و مزایده دانلود نمایند. مهلت تحویل پاکات ساعت ۹ الی ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می‌باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۶ مقرر شده است. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر